





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان

هندسه فرهنگی تمدن اسلامی در قرآن

استاد راهنما

دکتر محمد شعبانپور

استاد مشاور

دکتر عبدالقادر پریز

استاد داور

دکتر عباس اشرفی

پژوهشگر

کامران ملایی

تابستان ۹۵

چکیده

فرهنگ در تعابیر مختلف یک معنای اعتباری در متن اجتماع انسانی به شمار می رود که به نوعی برآمده از بایدها و نبایدهای مبتنی بر حقایقی است که در نهاد اجتماع بشری و بر محوریت نیازهای یک جامعه مدنی، در ابعاد فردی و اجتماعی، به تدریج حاکم بر اخلاق و رفتارهای انسانی شده و هویت این اجتماع به حساب می رود؛ مهندسی فرهنگی یک رویکرد سیستمی، به معنای طراحی، سازماندهی و معماری ساختاری برای جا نمایی اجزاء فرهنگ، اعم از فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و فرهنگ سازمانی است که درصدد تنظیم روابط این اجزاء و تبیین نقاط ضعف و قوت آن در این سیستم می باشد.

در مقابل مکاتب بشری، قرآن کریم برای فرهنگ، اندیشه، اخلاق و باورهای انسانی قائل به اصالتی حقیقی است که در پرتو اعتبارات (بایدها و نبایدها) همواره متناسب با فطرت بشر، در چهارچوبی نمای کلی زندگی انسان و تمام اجزاء فرهنگ را برای فرد و اجتماع هر دو لحاظ نموده و در نهایت دقت و کمال مولفه های فکری و بنیادین یک فرهنگ متعالی را تشریح و معرفی کرده است که می توان این نمای کلی را در سه محور حقیقی خدا، انسان و نظام هستی، پایه ریزی نمود و پایبندی به اعتبارات قرآنی روابط این سه با هم را از مهم ترین مولفه های مهندسی فرهنگی قرآن در تحقق مدینه فاضله و تمدن مبتنی بر یک نگرش توحیدی به شمار آورد که در ایدئولوژی خود، اجتماع را به سوی این مطلوب یعنی تحقق تمدن اسلامی سوق می دهد.

لذا این پژوهش با رویکردی ایجابی درصدد تبیین تحلیلی هندسه اصول فرهنگی برآمده از متن قرآن در چهارچوبی سیستمی می باشد که اجزای این سیستم، معانی حقیقی ثابت و فطری انسانی است؛ که با دو رکن معرفت و قاعده لطف درصدد حاکمیت ارزش های انسانی بر حوزه های مختلف یک جامعه می باشد که از راه تکیه بر کرامت انسان و جایگاه او در جهان بینی قرآن، محقق می گردد.

کلیدواژه: فرهنگ؛ تمدن اسلامی؛ مهندسی فرهنگی؛ قرآن کریم؛ مدینه فاضله

هندسه فرهنگی تمدن اسلامی در قرآن

فصل اول: کلیات

مقدمه.....	۲
۱-۱- طرح پژوهش.....	۳
۱-۱-۱- تبیین مساله پژوهش.....	۴
۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۵
۱-۱-۳- مبانی نظری پژوهش.....	۵
۱-۱-۴- چهارچوب نظری تحقیق.....	۶
۱-۱-۵- سوالات پژوهش.....	۶
۱-۱-۶- فرضیه ها.....	۶
۱-۱-۷- اهداف پژوهش.....	۷
۱-۱-۸- پیشینه تحقیق.....	۷
۲-۱- شرح مفاهیم و اصطلاحات.....	۹
۱-۲-۱- بررسی واژه هندسه و مهندسی.....	۱۰
۲-۲-۱- مفهوم سیستم.....	۱۱
۳-۲-۱- مفهوم واژه فرهنگ.....	۱۲
۱-۳-۲-۱- معنای لغوی فرهنگ.....	۱۲
۲-۳-۲-۱- واژگان قریب المعنی با فرهنگ.....	۱۴
۱-۲-۳-۲-۱- لسان.....	۱۴
۲-۲-۳-۲-۱- قوم.....	۱۴
۳-۲-۳-۲-۱- حکم.....	۱۵
۴-۲-۳-۲-۱- سنت.....	۱۵
۵-۲-۳-۲-۱- ملت.....	۱۶
۶-۲-۳-۲-۱- امت.....	۱۷
۳-۳-۲-۱- مفهوم اصطلاحی فرهنگ.....	۱۷

۱۸.....۱-۳-۳-۲-۱- مهندسی فرهنگ

۱۹.....۲-۳-۳-۲-۱- مهندسی فرهنگی

۲۰.....۴-۲-۱- مفهوم واژه تمدن

۲۱.....۵-۲-۱- ارتباط تمدن با فرهنگ

۲۲.....۶-۲-۱- معانی حقیقی و اعتباری

۲۲.....۷-۲-۱- تمدن سازی نوین اسلامی

۲۳..... - نمودارهندسه فرهنگی(شکل اول)

فصل دوم: معضلات جوامع فاقد مهندسی فرهنگی

۲۵.....مقدمه

۲۵.....۱-۲- مصرف گرایی

۲۷.....۱-۱-۲- دنیا گرایی

۲۷.....۲-۱-۲- ملزومات دنیا گرایی

۲۸.....۱-۲-۱-۲- توجیه وسیله برای رسیدن به هدف

۲۸.....۲-۲-۱-۲- منفعت طلبی شخصی

۲۹.....۳-۲-۱-۲- تهی شدن جامعه از اخلاق

۳۰.....۳-۱-۲- پیامدهای نگرش دنیاگرایانه

۳۱.....۱-۳-۱-۲- فقر آرمانی

۳۲.....۲-۳-۱-۲- عدم پایبندی به حقوق دیگران

۳۳.....۳-۳-۱-۲- نگاه ابزاری به فرهنگ

۳۳.....۴-۱-۲- عوامل ارزش انگاشتن ناهنجارها

۳۴.....۱-۴-۱-۲- غفلت

۳۵.....۲-۴-۱-۲- وجود خلاء های فرهنگی

۳۶.....۳-۴-۱-۲- نفوذ

۳۶فقدان هویت اجتماعی
۳۷طبقاتی شدن جامعه
۳۸جامعه بدوی (فاقد مهندسی فرهنگی)
۳۸علل درونی انحطاط فرهنگی
۳۹عدم باور به ارزش ها
۴۱عدم وجود اعتماد به نفس
۴۱دل بستگی به دنیا
۴۲عدم بصیرت
۴۳انحرافات فردی
۴۴علل بیرونی انحطاط فرهنگی
۴۴استثمار فرهنگی در سایه ظلم و ستم
۴۴حاکمان دنیا گرا
۴۵انحرافات اجتماعی (گسترش فساد)
۴۵نتایج انحطاط و استحاله فرهنگی
۴۶بی هویتی اجتماعی
۴۶پوچ گرایی و نیهیلیسم
۴۷رکود فکری (مصرف گرایی در علم و اندیشه)
۴۸ضرورت پیشگیری از انحطاط فرهنگی (مهندسی فرهنگی)
۴۹نمودار بخش اول از فصل دوم (مصرف گرایی)
۵۰نمودار بخش دوم از فصل دوم (جامعه بدوی (فاقد مهندسی فرهنگی))
فصل سوم: اصول و مبانی برآمده از هندسه فرهنگی تمدن اسلامی در قرآن	
۵۲مقدمه

- ۳-۱- جهان بینی قرآن کریم..... ۵۲
- ۳-۱-۱- خدا در جهان بینی قرآن..... ۵۳
- ۳-۱-۲- انسان در جهان بینی قرآن..... ۵۵
- ۳-۱-۲-۱- خلیفه اللهی..... ۵۶
- ۳-۱-۲-۲- ظرفیت علمی..... ۵۷
- ۳-۱-۲-۳- خداجویی فطری..... ۵۸
- ۳-۱-۲-۴- انسان معجونی از ملک و ملکوت..... ۵۸
- ۳-۱-۲-۵- استقلال شخصیتی و کرامت ذاتی..... ۵۹
- ۳-۱-۳- نظام هستی در جهان بینی قرآن..... ۶۰
- ۳-۲- راهبردهای قرآنی..... ۶۱
- ۳-۲-۱- تنوع و جامعیت موضوعی..... ۶۱
- ۳-۲-۲- زمینه سازی..... ۶۴
- ۳-۲-۳- سَماحت و سهولت (روامداری)..... ۶۶
- ۳-۲-۴- تعظیم و تکریم ارزش ها..... ۶۶
- ۳-۲-۵- تکرارگفتمانی و تذکر عملی ارزش ها..... ۶۷
- ۳-۲-۶- تبشیر و تحذیر..... ۶۹
- ۳-۳- فرد و روابط فردی او در هندسه فرهنگی قرآن..... ۷۰
- ۳-۳-۱- وجود شناختی (شناخت مبدا)..... ۷۱
- ۳-۳-۲- تبیین فرهنگ مطلوب..... ۷۳
- ۳-۳-۳- آسیب ها و موانع دستیابی به فرهنگ مطلوب..... ۷۴
- ۳-۳-۱- شیطان..... ۷۴
- ۳-۳-۲- جهل و عدم آگاهی..... ۷۵

- ۷۶.....۳-۳-۳-ضعف اراده.
- ۷۷.....۴-۳-۳- محرکه های رسیدن به فرهنگ مطلوب.
- ۷۷.....۱-۴-۳-تشویق به علم آموزی و دانش.
- ۷۸.....۲-۴-۳- توجه به عدم تعارض علم و دین.
- ۷۹.....۳-۴-۳- شناخت جایگاه انبیاء به عنوان هدایت گران الهی.
- ۸۰.....۴-۴-۳- باور به هدف نهایی(فرهنگ مطلوب و تحقق تمدن اسلامی).
- ۸۱.....۴-۳- اجتماع در هندسه فرهنگی قرآن.....
- ۸۲.....۱-۴-۳- مفاهیم جریان ساز (فرهنگی).
- ۸۲.....۱-۱-۴-۳- فرهنگ ایثار و فداکاری.....
- ۸۳.....۲-۱-۴-۳- فرهنگ عدالت خواهی و دادگری.....
- ۸۴.....۳-۱-۴-۳- فرهنگ تعاون و همیاری.....
- ۸۵.....۴-۱-۴-۳- فرهنگ انفاق و توجه به نیازمندان.....
- ۸۶.....۵-۱-۴-۳- فرهنگ امانت داری و مسئولیت پذیری.....
- ۸۷.....۶-۱-۴-۳- فرهنگ هوشیاری و بصیرت.....
- ۸۸.....۲-۴-۳- جریان های بستر ساز (فرهنگی).....
- ۸۸.....۱-۲-۴-۳- فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۹۰.....۲-۲-۴-۳- فرهنگ خمس و زکات (مالیات).....
- ۹۰.....۳-۲-۴-۳- فرهنگ تولید (توانمندی داخلی).....
- ۹۲.....۴-۲-۴-۳- فرهنگ حج و نماز جمعه (وحدت آفرینی).....
- ۹۳.....۵-۲-۴-۳- حاکمیت ولایت فقیه (فرهنگ ولایت مداری).....
- ۹۵..... - نمودار درختی فصل سوم.....

فصل چهارم: نهادهای موثر در هویت بخشی تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم.

- ۹۷-۴-۱- برآورد میزان راهبردی شدن مهندسی فرهنگی قرآن.....
- ۹۷-۴-۱-۱- خانواده.....
- ۹۸-۴-۱-۲- مدرسه، دانشگاه و حوزه.....
- ۹۹-۴-۱-۳- رسانه.....
- ۱۰۰-۴-۱-۴- مسجد و نهادهای اسلامی.....
- ۱۰۱-۴-۱-۵- تولیدات فرهنگی.....
- ۱۰۱-۴-۲- موانع اصلی در پیش روی مهندسی فرهنگی.....
- ۱۰۲- - مثنوی کرامت انسانی.....
- ۱۰۳-۴-۳- نتیجه گیری.....
- ۱۰۶- - شاکله نهایی هندسه فرهنگی پژوهش (صافی نیازهای بشری).....
- ۱۰۷-۴-۴- پیشنهادات.....
- ۱۰۸- - نمودار نهاد های اجتماعی موثر در هویت بخشی تمدن اسلامی.....
- ۱۰۹- فهرست منابع و مآخذ.....

فرهنگ، یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است. اهمیت بنیادین و نقش زیر بنایی فرهنگ به جهت تکامل و تکاپوی ابنای بشر در ارتباطات جمعی به گونه ای است که می توان از آن به مثابه هوای تنفسی یک گروه و ملت یاد کرد. در یک سیر منطقی فرهنگ یک مفهوم اعتباری است که در هر اجتماعی به تدریج در اثر محوریت نیازهای ایشان، بایدها و نبایدهایی به صورت ارزش ها و چهارچوب های کلی اخلاقی و در قالب قانون های مدنی و عرفی پدید آمده و جغرافیای فرهنگی آن جامعه را جهت بخشیده و ایشان را به سوی اهداف و آرمان های مطلوب سوق می دهد. بنابراین هر جامعه ولو کوچک دارای فرهنگی زاییده از همان اجتماع بر محوریت نیازهای خود است که با این تعریف دستیابی به فرهنگی واحد برای تمام جغرافیای اجتماعات انسانی غیر ممکن خواهد بود. چرا که این گونه فرهنگ ها دو ویژگی اصلی داشتند یکی تدریجی بودن آن و دیگری نیاز محور بودن این فرهنگ ها که در هر اجتماعی نیازهای ایشان متناسب با نگاه شان به خود و دنیای پیرامون متفاوت است. لذا بدیهی است اگر بخواهیم سیستمی را بر اساس این دو ویژگی طرح ریزی کرده و در چهارچوب این سیستم مهندسی شده تمدنی را با جغرافیای فرهنگی مترقی پیاده کنیم لازم است اساس این چهارچوب را از حقایقی قرار دهیم که در غالب اجتماعات بشری قابل قبول و غیر قابل انکار بوده باشد. با این تعبیرات بدیهی است که سیستمی می تواند پایه گذار تمدن نوینی باشد که اساس آن بر معانی حقیقی استوار باشد نه بر اعتبارات که به نوعی قراردادی و جعلی اند و زاییده روابط اند.

از آنجا که اسلام، به عنوان یک دین آسمانی و دارای ابعاد و شئون مختلف، هم اشراف بر سعادت حقیقی افراد بشر و هم توجه به جامعه را با همه ی جوانب و اصول اثر گذار بر آن، مدّ نظر قرار داده است. می تواند منبع اصولی و اساسی برای هندسه سازی فرهنگ یک تمدن که دارای شکوفایی مادی و معنوی است؛ باشد.

لذا این پژوهش در نظر دارد با این مقدمات منطقی؛ قرآن محور بودن یک هندسه فرهنگی پایه گذار یک تمدن را مسئله خود قرار داده و با نگرشی فطری و وحیانی تمام اجزاء فرهنگ را در یک سیستم قرآنی جاسازی کند، به نحوی که هر پدیده برآمده از اعتبارات جدید را از دل ارتباطات و مناسبات انسان با خود، انسان با خدا، انسان با هم نوع و انسان با طبیعت را پاسخ گو بوده باشد؛ لذا در سیر مطالعاتی نه در پی تبیین مفهوم فرهنگ به طور مطلق باید بود و نه در پی باز تعریفی از ارکان یک تمدن نوین بلکه تنها ابتدا دنبال طرح ریزی یک چهارچوب سیستماتیک باید رفت که با حاکمیت ایدئولوژی قرآن در برخورد با هر پدیده ای، رهیافت ها و راهکار متناسب با آن پدیده را بتواند ارائه دهد. و اینکه گفته شد باید تمام

اجزاء فرهنگ را در این سیستم پیاده کرده و متن آن قرار داد به نحو بیان اصول اساسی بوده و از ورود به جزئیات به دلیل گستره نامحدود کار در این زمینه خودداری کرد.

در حقیقت این چهارچوب بر پایه های حقایق عینی و شهودی چون خدا، انسان و نظام هستی (طبیعت) استوار است و آنچه که از اعتبارات و ارتباطات این حقایق ثبوتی؛ پدید می آید، متغیّرند و یک تمدن که باید هر لحظه تجلی نوئی از پیشرفت و تکامل در جنبه های مادی و معنوی داشته باشد تا به آرامش برسد، نمی تواند بر پایه های ناآرام اعتبارات متغیّر، به وجود آید. لذا این معانی کلی و حقیقی که ثابت اند و فطری در بردارنده مشترکات ادیان آسمانی هم هست و بنابراین یکی از ویژگی های بارز این مهندسی باید جامع و در بردارنده اصول مورد قبول ذائقه مبتنی بر فطرت بشر باشد.

بنابراین پژوهش حاضر در چهار فصل تدوین و تبویب گردیده است:

فصل اول شامل کلیات تحقیق می باشد که عبارت است از: طرح پژوهش و تبیین مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در این پژوهش.

فصل دوم بررسی معضلات اساسی حوزه فرهنگ در جوامع بدون مهندسی فرهنگی.

فصل سوم اصول و مبانی مهندسی فرهنگی تمدن اسلامی در قرآن کریم.

فصل چهارم نهاد های اجتماعی موثر در هویت بخشی اسلامی به تمدن.

لازم است یاد آور شویم که این گونه مواجهه شدن با فرهنگ گرچه در این ایام، نقل محافل علمی است اما تا به حال به طور جدی فعالیت خاصی در این مورد صورت نگرفته و این پژوهش اگر نگوئیم اولین می توانیم ادعا کنیم از اولین حرکت های جدی برای رسیدن به این مهم می باشد که قاعدتاً ممکن است با خام گویی هایی همراه باشد که سعی پژوهشگر در به حداقل رساندن این ناپختگی ها است و لذا این مسیر می تواند خود راهگشایی باشد برای پژوهشگران مشتاق رسیدن به این هدف و راه حلی برای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی بر پایه فرهنگ توحید صمدانی قرآن.

۱-۱- طرح پژوهش

منظور از طرح پژوهش، سلسله مسائل و دغدغه هایی است که شاکله چهارچوب پژوهش است مانند تبیین مسئله و دغدغه محقق، پیشینه تحقیق که پژوهشگر را از تکرار مکررات و دوباره کاری باز می دارد، و همچنین سوالات و فرضیه هایی که اساس ورود به محدوده تحقیق پژوهشگر می باشد.

۱-۱-۱- تبیین مسئله پژوهش

درباره فرهنگ، تعاریف و مسائل گسترده ای را از دیرباز به عنوان جان مایه و روح تنفسی اجتماعات گوناگون مطرح نموده اند البته به این مقوله آنچنان که در شأن و جایگاه این حوزه است به طور دقیق و سیستمی پرداخته نشده است که دلیلی شده تعاریف بسیاری با تعبیر مختلف از آن بشود که اغلب با توجه به دیدگاه های مکاتب مختلف نسبت به این مسئله تعاریف متضاد با هم نیز از آن وجود دارد که از نتایج سوء این سهل انگاری در نگاه سیستماتیک به فرهنگ، ضد ارزش هایی است که در جوامع مختلف انسانی به صورت ارزش تولید شده و با ابزارهایی مانند رسانه و غیر آن در متن جامعه به مرور زمان نهادینه شده و فرهنگ فطری را به صورت آشکارا و پنهان دگرگون کرده است و تحت تاثیر دیدگاه های منفعت طلبانه قرار داده است که این نگاه ابزاری به مقوله فرهنگ از معضلات اساسی یک جامعه متمدن به شمار می رود.

بنابراین تدوین یک هندسه و سیستم مبتنی بر ارزش ها و معانی حقیقی ثابت انسانی و فطری برای جاسازی اعتبارات نیاز محور تمام اجزای فرهنگ به جهت بیرون شدن از نگاه ابزاری به این حوزه یک اصل ضروری است و از اهمیت بالایی برخوردار می باشد که از نتایج آن حاکمیت این ارزش ها بر تمام حوزه های مختلف یک اجتماع انسانی است که متأثر از تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی و دستاوردهای آن نبوده بلکه مولد بایدها و نبایدهای نو و جدید در طول ارزش های اصولی این چهارچوب به عنوان سیستمی مترقی باشد.

از جمله مسائلی که در رتبه پایین تری از مسائل دسته اول به شمار می آید توجه به گستره حاکمیت این هندسه فرهنگی است زیرا اگر بخواهیم چهارچوبی را تنها با نگاه به ارزش های یک جامعه محدود ارائه کنیم شاید در طولانی مدت نتواند کارایی خود را به طور کامل بروز دهد؛ پس نگاه به گستره این حاکمیت برای تحقق تمدن جهانی، مشمول تبیین جهان بینی قرآن کریم می شود که آیا جهان بینی قرآن در مسائل فرهنگی تنها مختص به جامعه عرب است یا تمام ارزش های انسانی را در بر می گیرد و لذا در این پژوهش برآنیم با استخراج اصول کلی و معانی حقیقی ارائه شده در جهان بینی قرآن کریم چهارچوبی را ترسیم کنیم که از ویژگی های آن یکی مولد بودن آن است و دیگری دایره شمولیت آن که تمام حوزه های بشری را دربر گرفته و در قالب زمان و تغییرات آن قرار نگیرد.

بنابراین هدف اصلی تحقیق ارائه چهارچوبی نظام مند و مولد، مبتنی بر جهان بینی فرهنگی قرآن است که در برخورد با مسائل مهم اجتماعی (از بعد فردی و بعد جمعی)، سیاسی و احکام عملی این حوزه ها به

عنوان موضوعاتی که نیاز محور اند، نقش موثری داشته باشد که از ویژگی های این هندسه فرهنگی جهان شمولی معقول و منطبق با ارزش های فطری انسان است.

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

فرهنگ به عنوان هوای تنفسی هر اجتماعی به شمار می رود که باید ها و نبایدهای آن شکل دهنده روابط کلی هر جامعه ای می باشد و لذا اهمیت پرداختن به آن در تبیین جایگاه آن مشخص بوده که استحکام و پشتوانه هر تمدنی را فرهنگ آن اجتماع می دانند زیرا عامل پیشرفت و تعالی و سقوط هر اجتماعی ارتباط تنگاتنگ آن جامعه با فرهنگ خود است.

ضرورت داشتن نگاهی سیستمی به فرهنگ برای جاسازی اجزای این حوزه در جایگاه های خود و برداشته شدن نگاه ابزاری به آن و همچنین توجه به اصل مترقی بودن این سیستم به طور کامل معلوم است.

همه تعالیم قرآن به عنوان برنامه زندگی انسان، بر این اصل و اساس استوار است که همه افراد بشر به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند که این جهان بینی فرهنگی قرآن را می توان حاکم بر تمام احکام سیاسی، عبادی، اقتصادی، اجتماعی و فردی انسان مشاهده کرد؛ لذا وجود یک سیستم منسجم و مترقی که بر معانی حقیقی پذیرفته شده قرآنی استوار است برای تحقق تمدن اسلامی لازم و ضروری است.

از جمله ضرورت های دیگر پرداختن به این مسئله، معضلات فرهنگی یک جامعه بشری بدون پشتوانه ارزش های انسانی است که زمینه فساد و زوال هر اجتماعی را به همراه می آورد. و از آنجا که هیچ تمدنی بی فرهنگ محقق نمی شود؛ توجه به فرهنگ متعالی و مترقی برای جلوگیری از حاکمیت فرهنگ صرفاً مادی ضرورت پیدا می کند.

۱-۱-۳- مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری تحقیق، رویکردی ایجابی در ارائه مهندسی فرهنگی از منظر قرآن دارد که نگاه به این مهندسی از نوعی مهندسی انعطاف پذیر و به دور از افراطی گری با ملاحظه کرامت انسانی و ظرافت های حوزه فرهنگی می باشد؛ از نظر رویکرد ایجابی فرهنگ به صورت ذاتی طالب تبادل، انتقال و آموختن است. و چیزی که قابلیت انتقال و آموختن را داشته باشد قابلیت مهندسی کردن را نیز خواهد داشت.

از دیگر مبانی این تحقیق، نوع نگاه به فرهنگ به عنوان مجموعه اعتبارات نیاز محور و مبتنی بر معانی حقیقی و ثابت می باشد که نوع ترسیم روابط این سه حقیقت یعنی خدا، انسان و نظام هستی با هم مجموعه ای از باید ها و نبایدها را به وجود می آورد.

از مبانی دیگر این تحقیق، نگاه ویژه به انسان به عنوان شکل دهنده تمدن اسلامی است که در این رویکرد، انسان موجودی دو بُعدی است، عصاره ای است از خاک تا افلاک که ضرورت مهندسی فرهنگی را این نگاه به انسان مشخص می کند، چرا که فرهنگ پشتوانه هر تمدن و تمدن محل هر پیشرفت و سعادت می باشد.

۱-۱-۴- چهارچوب نظری تحقیق

چهارچوب نظری تحقیق، معانی حقیقی در مقابل معانی اعتباری است که بر اساس روابط آن حقایق به وجود می آیند که آن معانی حقیقی عبارت اند از: خدا، انسان و نظام هستی (طبیعت) که نوع مهندسی روابط این سه حقیقت با هم که اعتبارات (فرهنگ) را شکل می دهد از قرآن و روایات وارده از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) استخراج و استنباط برهانی می شود.

۱-۱-۵- سوالات پژوهش

سوال هایی که پژوهش حاضر بر اساس آن شکل گرفته عبارت است از دو سوال اصلی:

۱- آیا می شود به فرهنگ یک نگاه سیستمی و نظام مند که مترقی و مولد باشد داشت؟

۲- جهان بینی قرآن در هندسه فرهنگی یک تمدن چه نقشی را ایفا می کند؟

و سه سوال فرعی:

۱- جایگاه فرهنگ و اهمیت مهندسی آن در ابعاد شکل دهنده یک تمدن چگونه است؟

۲- آیا رویکرد قرآن در مهندسی فرهنگی یک تمدن اسلامی رویکردی تئوری است یا کاربردی؟

۳- چه راهبردهایی را می توان برای حوزه های مؤثر در این مهندسی ارائه داد؟

۱-۱-۶- فرضیه ها

فرضیه های پیش روی محقق در این پژوهش عبارت است از:

۱- رویکرد ایجابی فرهنگ، که به جهت امکان آموزش، انتقال و آموختن به دیگران، قابلیت مهندسی را فراهم می کند.

۲- مبتنی بودن هندسه فرهنگی بر معانی حقیقی مبدا نظام آفرینش(خدا)، انسان و نظام هستی(طبیعت) که براساس جهان بینی قرآن شکل گرفته است.

۳- نقش آفرینی نهادهای فرهنگی که در مهندسی روابط انسانی از اهمیت بسزایی برخوردارند.

۱-۱-۷- اهداف پژوهش

از اهداف مهم این تحقیق روشن کردن اهمیت پرداختن به مسئله فرهنگ در چهارچوبی سیستمی با رویکردی ایجابی است تا اولاً از نگاه ابزاری داشتن به این حوزه خودداری شده و به عنوان یک مسئله حیاتی بر روی آن سرمایه گذاری شود؛ ثانیاً با تعیین و اندازه گیری درست مؤلفه های فرهنگی و جاسازی آن ها در جایگاه های خود در اجزای مختلف فرهنگ از هرگونه آسیب ناشی از عدم توجه به این مهندسی پیشگیری شود؛ ثالثاً که از مهم ترین نتایج پرداختن سیستمی به مقوله فرهنگ است ارائه این مهندسی برای اسلامیزه کردن نگرش های صرفاً مادی در حوزه فرهنگ می باشد.

با این تعابیر می توان اهداف کلی تحقیق را در چهار مورد خلاصه کرد که عبارت است از:

الف) جاسازی مؤلفه های فرهنگی در سیستمی اسلامیزه شده که مبانی آن همه از قرآن اخذ شده باشد.

ب) رسیدن به نگاهی مفهومی و مبتنی بر اصول قطعی از فرهنگ توحیدی و قرآنی، برای مهندسی کردن حاکمیت آن بر تمام حوزه های یک تمدن اسلامی.

ج) شناخت معضلات پیش روی جامعه اسلامی برای پیشگیری از آسیب های فرهنگی در چهارچوب هندسه قرآنی.

د) ارائه نموداری ثابت با توجه به جهان بینی قرآن کریم در رابطه با انسان و روابط او با سایر حقایق نظام هستی که منجر به حاکمیت فرهنگ قرآنی بر پایه کرامت انسانی می گردد.

۱-۱-۸- پیشینه تحقیق

پیشینه اندیشه اداره فرهنگی (در معنای کامل کلمه) را می توان به اندازه قدمت اجتماعات بشریت دانست. اگر فرهنگ را مجموعه ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می دهد و هویت

آنرا می‌سازد دانست، اولین کسانی که تلاش داشتند با برقراری حکومت و با استفاده از نهاد سیاسی و الهی به مدیریت و اصلاح فرهنگ بپردازند، انبیاء (علیهم السلام) بوده اند چرا که آنان تلاش داشتند تا با ارائه نظام اعتقادات، ارزشها و گرایشها، فرهنگ توحیدی را جایگزین فرهنگ الحادی نموده و نهادهای اجتماعی از جمله سیاست، حکومت، اقتصاد و بازار معاملات را در راستای رسیدن به توحید و فرهنگ توحیدی اصلاح یا به تعبیر دیگر مهندسی فرهنگی نمایند.

اما در معنای اصطلاحی از آنجا که مسئله مهندسی فرهنگی از جمله مباحث نو پا در دهه های اخیر بوده است نگارنده به پژوهش مستقلی که در پی رسیدن به این مهندسی باشد دست نیافته است البته مقالاتی در شدن یا نشدن آن و از لحاظ ماهیتی تألیف شده بود که از جمله آن ها:

۱- مقاله «قرآن و مهندسی فرهنگی»، احمد ترابی، پژوهش های قرآنی، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، شماره ۵۴ و ۵۵

۲- مقاله «تأملی درباره مهندسی فرهنگی»، احمد گل محمدی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۱

۳- مقاله «چهارچوب مهندسی فرهنگی»، حمید دوازده امامی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۵

۴- مقاله «ضرورت و روشی برای مهندسی فرهنگی»، علی رحمانی فیروز جاه، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۱

۵- مقاله «جایگاه آموزه های فرهنگی در مهندسی فرهنگی مبتنی بر قرآن، عباس مقتدایی، فرهنگ اصفهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۳۳ و ۳۴

۶- مقاله «قرآن کریم: مهندسی فرهنگی در مکتب قرآنی فاطمه (سلام الله علیها)»، سید محمد رضا علاء الدین، کوثر، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۳۴

۷- مقاله «بایسته های مهندسی فرهنگی»، سید ابراهیم ابراهیمی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۱

۸- مقاله «مهندسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، حسن روحانی، راهبرد، تیر ۱۳۸۷، شماره ۴۷

۹- مقاله «مهندسی فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری» حسن شمسینی غیاث وند، مجموعه

مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۱

۱۰- مقاله «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور»، علیرضا پیروزمند، مجموعه مقالات همایش

ملی مهندسی فرهنگی، جلد ۱

۱۱- مجموعه مقالات ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱۲- مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی

۱۳- پایان نامه «رویکرد قرآن به مهندسی فرهنگی جامعه»، ویدا حسین پور، استاد راهنما:

فاطمه علایی رحمانی، استاد مشاور: پروین بهار زاده، دانشگاه الزهراء قم، مهر ۱۳۹۱

۱۴- پایان نامه «قرآن و مهندسی فرهنگی جامعه»، مرضیه مهری ثابت، استاد راهنما: هادی

فناپی، استاد مشاور: محمد مولوی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین، مهر ۱۳۹۰

لازم به ذکر است در مورد پایان نامه های مذکور یادآور شد که روش تحقیقی هر دو پژوهش نوعی نگاه نسبی به مقوله فرهنگ می باشد یعنی هر دو پژوهشگر به نوعی در پی تبیین فرهنگ به معنای باید ها و نباید های قرآنی نسبت به باید ها و نباید های غیر قرآنی می باشند و به نوعی روش تطبیقی در پیش گرفته اند؛ در حالی که پژوهش پیش رو در پی طراحی سیستمی کلی بر پایه حقایق فطری و بدیهی است که مؤلف باید ها و نباید هایی است که قرآن خود نمونه اصلی این مهندسی فرهنگی به شمار می رود زیرا بر اساس همان معانی حقیقی که غرض نهایی یعنی هدایت و سعادت انسانی در متن آن نهادینه شده است؛ می باشد.

۱-۲- شرح مفاهیم و اصطلاحات

الفاظ دربردارنده معانی کلی در محدوده لفظ اند که انسان را در فهم مفاهیم یاری می رساند و به نوعی وسیله ای به شمار می روند تا معقولات را در لباس ملفوظات به هم منتقل کنند و نوعی ارتباط ذهنی با هم نوع خود و طبیعت پیرامون خود برقرار کنند.

از این رو جهت انتقال بهتر مطالب و کمک به همراهی بیشتر مخاطب در فهم هدف پژوهش به بررسی واژگان کلیدی و به کار رفته در این پایان نامه پرداخته می شود.

واژه مهندسی فرهنگی واژه ای ترکیبی و توصیفی است لذا ابتدا هر واژه جداگانه بررسی شده است تا بتوان با درک درست از معنای این دو واژه به مفهوم روشن و صریحی از ترکیب آنها رسید؛ یادآوری این نکته ضروری است که اگرچه در لفظ مهندسی و هندسه تقریباً می توان به معنای واحدی از مفهوم واژه دست یافت اما در مورد واژه فرهنگ وجود تعابیر مختلف و بسیار از آن باعث می شود این امر به راحتی میسر نباشد و از آنجا که برای پیشبرد تحقیق نیاز به معنای واحدی از مفهوم فرهنگ خواهد بود سعی پژوهشگر این است که مفهومی واحد را از تعابیر مختلف این واژه به صورت نظریه ای مطرح کند و لذا بخشی را هم به تبیین اصطلاحات تعریف فرهنگ از نگاه پژوهش اختصاص باید داد.

بررسی معنا یا معانی واژگان مطرح در علوم معمولاً از حیث لغوی و اصطلاحی صورت می گیرد:

۱-۲-۱- بررسی واژه هندسه و مهندسی

در لغت اصل کلمه مهندسی "هندسه، هندز، یا اندزه" فارسی می باشد؛ اما چون در زبان عربی معمولاً بعد از حرف دال حرف زاء نمی آید به سین تبدیل شده است. و مهندس کسی است که سرچشمه های آب را موقعیت یابی کرده و محل حفر آن را تخمین می زند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۴، ص ۱۲۰)

و همچنین در عرب به کسی که در فن و یا امری سررشته و مهارت داشته باشد هندوس گفته می شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۶، ص ۲۵۲)

در فارسی کلمه مهندس برگرفته از واژه "هندسه" معرب هنداجگ^۱ پهلوی و از مصدر انداختن است. این واژه در زبان فارسی به معنای اندازه گرفتن، تقدیر، نقشه برداری اراضی و مزارع و ابنیه، به کار می رود. (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ذیل واژه هندسه)

واژه مهندس اسم فاعل و در لغت به معنای عالم هندسه، اندازه گیرنده، تقدیر کننده آمده است؛ همچنین این واژه نزد قدما یکی از شعب ریاضی به شمار می رفته که موضوع آن معرفت مقادیر، احکام و لواحق آن است. امروزه نیز به علمی که در آن از فضا و بُعدها و شکل ها بحث می شود مهندسی اطلاق می گردد. (دهخدا، ۱۳۴۵، جلد ۴۶، ذیل واژه مهندس) که متخصص ایجاد طرح های ساختمانی، معماری یا راهسازی و کشاورزی است و مهندسی هم شغل و حرفه مهندس می باشد. (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ذیل واژه مهندس)

¹ Handaceg.

همچنین به اندازه گیرنده و کسی که در پاره ای از علوم و فنون مانند راه سازی، معماری یا کشاورزی و ... تحصیلات عالی کسب کرده و متخصص شده باشد مهندس اطلاق می شود. (عمید، ۱۳۸۸، ص ۸۵۱)

به طور کلی کار مهندس را، مهندسی، گویند که عبارت است از به کار گیری اصول علمی و ریاضی برای مقاصد علمی مانند طراحی، ساخت و یا استفاده اقتصادی و کارآمد از ساختارها و ماشین آلات، فرایند ها و سیستم ها. (آریانپور، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۴۲)

با عنایت به مقوله هندسه و مهندسی می توان این نتیجه را گرفت که اغلب این واژه برای امور مادی دلالت می کند؛ اموری که قابل اندازه گیری باشند و در آنها راجع به مقادیر بحث بشود. اما ویژگی ذاتی و مزیت درونی این دانش بیانگر قابلیت آن در نظم و سامان بخشیدن به پدیده ها، امور فکری و اندیشه های آدمی نیز می باشد.

لذا لازم است در ذیل بررسی واژه مهندسی به مفهوم سیستم پرداخته و با تشریح ابعاد مختلف این واژه به نگاه سیستماتیک به فرهنگ رسیده و با تبیین اجزای مختلف این سیستم که از مؤلفه های مولد فرهنگی است به مقوله فرهنگ که به نوعی پدیده ای انسانی به شمار می رود در رویکردی ایجابی با دید مهندسی نگریست.

۱-۲-۲- مفهوم سیستم

مفهوم این واژه که در بیان عامیانه مترادف با واژه های روش و شیوه یا متد به کار رفته است با تعاریف متعددی ارائه شده که هر یک از نقطه نظر خاصی به تعریف سیستم پرداخته اند، لذا با توجه به ماهیت پژوهش از پرداختن جزئی به واژه سیستم صرف نظر کرده و به نظر مختار در تعریف واژه که: سیستم کلیتی است که حداقل دو جزء داشته باشد. به صورتی که هر یک از آنها بتواند بر روی عملکرد یا خصوصیات کل سیستم اثر بگذارد، و هیچ کدام از آنها نتواند اثر مستقلی بر روی کل سیستم داشته باشد و هیچ زیرگروهی از آنها نتواند اثر مستقلی بر روی سیستم (کل) بگذارد، باید اکتفا کرد؛ پس به طور خلاصه می توان گفت که سیستم کلیتی است که نتوان آن را به اجزای مستقل یا زیرگروههای مستقلی از اجزا تقسیم کرد. (رنجبری، مشرفی، ۱۳۸۱، ص ۴۷)

با این تعریف از مفهوم واژه؛ سیستم چارچوبی متشکل از اجزای به هم پیوسته ایست که مؤلفه های آن همه با هم در ارتباط بوده و امکان مهندسی را به اجزای مختلف هر دانشی از جمله فرهنگ به پژوهشگر می دهد. در این پژوهش ما برای چهارچوب کلی طرح، سیستمی را به صورت فرضی در نظر خواهیم گرفت که از سه جزء اصلی که از معانی حقیقی به شمار می روند تشکیل شده است که عبارت اند از:

الف) انسان؛ که جزئی از نظام هستی است و به عنوان محور همه ارتباطات در این عالم به شمار می رود. زیرا هنگامی که انسان خود را در عرصه زندگی اجتماعی در می یابد احساس می کند در جنبه های گوناگون با هم نوعان خود زندگی می کند (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۳۰)؛ که این احساس نیاز محور انسانی، در اجتماعات بشری، منشاء باید ها و نباید هایی به عنوان فرهنگ زندگی اجتماعی به شمار می رود.

ب) طبیعت؛ که منشاء همه تحرکات و نیازهای بشری در گروه های اجتماعی به جهت بهره وری از قانون مندی آن می باشد. که این قانون مندی جهان هستی را، علوم گوناگون و صناعی که به دست بشر برای رفع نیازهای خود پدیدار شده اند، به خوبی اثبات کرده است. (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۶۶) و از طرفی طبیعت بستر فیزیکی ای است که امکان کنار هم جمع شدن عده ای را با نیاز های مشترک می دهد که اولین وجه اشتراکشان همین انتخاب فضای پیرامونی شان می باشد.

ج) خدا؛ که مبدا آفرینش انسان و طبیعت است به عنوان مصنف نظام هستی و خالق انسان برنامه ریز سعادت دنیوی و اخروی او است. لازم است در اینجا متذکر این نکته شد که رابطه انسان با خدا جزئی از اجزای سیستم به شمار می رود که تبیین چگونگی این رابطه وظیفه انبیاء به عنوان مهندسان فرهنگی است.

همانطور که گفتیم سیستم فرضی پژوهش حاضر، مبتنی بر سه معنی حقیقی است که اعتبارات برآمده از دل ارتباطات ذاتی این سه با هم در مجموع موّلد باید ها و نباید هایی است که فرهنگ جامعه را تشکیل می دهد. که این پژوهش درصدد مهندسی فرهنگی تمدنی است که قرآن تنظیم کننده ارتباطات چهارگانه این سه با هم یعنی رابطه انسان با خدا، انسان با خود، انسان با هم نوع خود و انسان با نظام هستی (طبیعت) باشد.

۱-۲-۳- مفهوم واژه فرهنگ

مفهوم شناسی فرهنگی، از مباحث پایه در فرهنگ سازی هر جامعه ای می باشد چرا که بر اساس نوع نگرش نسبت به مفهوم فرهنگ، چپستی و چگونگی مهندسی فرهنگی جامعه نیز متفاوت خواهد شد. به همین دلیل مفهوم شناسی فرهنگ یکی از مباحث پایه در مهندسی فرهنگی است. ولذا در ادامه پیرامون معنای لغوی، واژگان قریب المعنی و معنای اصطلاحی آن پرداخته شده است که عبارت اند از: